

عوامل مؤثر در گرایش نوجوانان به ارزش‌های اخلاقی (مطالعه موردی دانش آموزان سال سوم راهنمایی استان همدان در سال تحصیلی ۸۴-۱۳۸۳)

دکتر محمد صادق مهدوی*

امین زارعی**

چکیده

در این پژوهش به منظور بررسی میزان گرایش دانش‌آموزان به ارزش‌های اخلاقی و عوامل مرتبط با آن از نظریه‌های مختلف روانشناسی و جامعه‌شناسی استفاده شده است. پژوهش به روش پیمایش مقطعی و با استفاده از ابزار پرسشنامه روی ۸۱۷ نفر دانش‌آموز دختر و پسر سال سوم راهنمایی استان همدان (شهری و روستایی) با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای، اجرا شده است. روابط بین متغیرها نشان داد که متغیرهای پایبندی والدین به ارزش‌های اخلاقی، باورهای مذهبی دانش‌آموزان، پایبندی دوستان به ارزش‌های اخلاقی، پایبندی معلمان به ارزش‌های اخلاقی، پذیرش اجتماعی ارزش‌های اخلاقی، رضایت اجتماعی دانش‌آموزان، انتظار فایده ارزش‌های اخلاقی، ارزیابی فایده ارزش‌های اخلاقی و اعتماد اجتماعی دانش‌آموزان با گرایش دانش‌آموزان به ارزش‌های اخلاقی همبستگی مستقیم و معنی‌داری داشته‌اند. متغیرهای احساس محرومیت نسبی دانش‌آموزان و پایگاه اقتصادی-اجتماعی والدین هم با گرایش دانش‌آموزان به ارزش‌های اخلاقی رابطه معکوس و معنی‌داری داشته است. همچنین دختران نسبت به پسران گرایش بیشتری به ارزش‌های اخلاقی داشته‌اند. نتایج تحلیل رگرسیون هم نشان داد که متغیرهای پایبندی والدین، انتظار فایده، باورهای مذهبی دانش‌آموز، پذیرش اجتماعی، پایبندی معلمان و رضایت اجتماعی دانش‌آموزان تاثیر مثبت و معنی‌داری بر گرایش دانش‌آموزان به ارزش‌های اخلاقی داشته‌اند.

واژه‌های کلیدی: ارزش‌های اخلاقی، پذیرش اجتماعی، باورهای مذهبی، انتظار فایده، احساس محرومیت نسبی، رضایت اجتماعی

* استاد جامعه‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

a_zaree2004@yahoo.com

** مدرس مدعو، گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور، ایران

این مقاله در قالب یک طرح پژوهشی و با حمایت شورای تحقیقات سازمان آموزش و پرورش استان همدان انجام شده است

بیان مساله

ارزش‌ها به مثابه پدیده‌های اجتماعی نقش اساسی در شکل‌گیری، کنترل و پیش‌بینی کنش‌ها^۱ و گرایش‌های^۲ افراد جامعه داشته‌اند و عنصری مرکزی در ساختار فرهنگی جوامع به شمار می‌روند. اخلاق و ارزش‌های اخلاقی^۳ تعیین‌کننده رفتارهای انسان‌ها می‌باشند و میزان تمایل افراد یک جامعه به ارزش‌های اخلاقی می‌تواند موجبات انحراف یا جلوگیری از انحرافات اجتماعی را در جامعه به وجود آورد و به طور کلی جامعه‌ای که افراد آن پایبند به اخلاق و ارزش‌های اخلاقی نباشند دیر یا زود به زوال کشیده خواهد شد.

بحث درباره میزان اخلاقی بودن نوجوانان و جوانان و گرایش آن‌ها به ارزش‌های اخلاقی از جمله مسائل مهمی است که برای تمام افراد جامعه و بویژه دست‌اندرکاران حائز اهمیت می‌باشد. برای اینکه جامعه تداوم داشته باشد لازم است که افراد ارزش‌های همسان و مشترک داشته باشند. از جمله ارزش‌های مهمی که برای بقا مفید می‌باشند، ارزش‌های اخلاقی هستند که به موجب آن افراد در قبال یکدیگر احساس تعهد، مسئولیت‌پذیری، دوستی و غیره می‌کنند. افراد اگر در برخورد با یکدیگر اصول اخلاقی را رعایت کنند و به عبارت دیگر ارزش‌های اخلاقی را در وجود خود نهادینه کرده و بر اساس آنها رفتارهای خود را جهت‌دهی کنند، انتظام و انسجام جامعه در سطح وسیعی شکل خواهد گرفت؛ اما عدم رعایت اصول اخلاقی و پایبند نبودن به آنها، روابط اجتماعی افراد را مختل کرده و شیرازه نظم اجتماعی را به هم می‌زند. بیشتر برخوردهایی که در مدارس بین دانش‌آموزان و نیز دانش‌آموزان با معلمان پیش می‌آید ناشی از این است که ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی آنچنان باید و شاید در وجود دانش‌آموزان نهادینه نشده‌اند. زمانی که دو نفر خود را موظف به داشتن تعهد یا صداقت به عنوان یک ارزش اخلاقی ندانند خیلی راحت به یکدیگر خیانت می‌کنند. امروزه گله و شکایت معلمان و نیز والدین از دانش‌آموزان را می‌توان به عنوان شواهدی از ضعیف شدن ارزش‌های اخلاقی دانست. در رابطه با ارزش‌های اخلاقی کیگان^۴ و ایتینگ^۵ (۱۹۷۱) می‌گویند «که اطرافیان و بویژه والدین و همسالان بر تحول اخلاقی کودک تاثیر قابل ملاحظه‌ای دارند. والدین به کودکان الگوهایی عرضه می‌کنند که به آنها امکان می‌دهد نظام اخلاقی خود را متشکل سازند». بلاک و کهلبگ^۶ (۱۹۶۳) ثابت کردند «که والدین از طریق بحث با فرزندانشان می‌توانند تراز اخلاقی کودکان خود را تغییر دهند» (رشیدی فرد، ۱۳۸۰: ۷۱). وایت^۶ (۱۹۸۸) معتقد است «که تحول اخلاقی ناشی از تقابل فرد و محیط است و علاوه بر عوامل اجتماعی و عاطفی، عوامل شناختی نیز در آن درگیرند؛ یعنی فرد با واسطه عوامل شناختی به استدلال اخلاقی مجهز می‌شود» (نقد مزرجی، ۱۳۷۶: ۲۲). کهلبگ و همکارانش (۱۹۸۲) در مطالعات خود درجه‌ای از تناسب بین مرحله استدلال اخلاقی و قدرت انگیزش عمل را نشان داده‌اند که معمولاً ارزش اخلاقی به این میزان تناسب اطلاق می‌شود (جنیدی، ۱۳۷۸: ۱۶). بنابراین با توجه به موارد بالا می‌توان میزان گرایش دانش‌آموزان به مسایل اخلاقی را به عنوان یکی از مسائل اجتماعی مهم مطرح کرد که باید بیش از پیش به آن توجه نمود،

1. actions
2. attitude
3. moral values
4. kigan & witting
5. Block & Kohlberg
6. witte

در این تحقیق به دنبال این سؤالات هستیم که: دانش آموزان به هر یک از ارزش های اخلاقی چقدر گرایش دارند؟ عوامل مرتبط با ارزش های اخلاقی کدامند؟ اهداف کلی را که این پژوهش کاربردی دنبال می کند عبارتند از:

- ۱- تعیین میزان گرایش دانش آموزان دوره راهنمایی استان همدان به ارزش های اخلاقی
 - ۲- شناسایی عوامل مرتبط با ارزش های اخلاقی
 - ۳- ارائه راهکارهای مناسب جهت سوق دادن نوجوانان به ارزش های اخلاقی و اهداف جزئی (ویژه) عبارتند از :
 - ۱- تعیین میزان گرایش دانش آموزان به هر یک از ارزش های اخلاقی
 - ۲- شناسایی رابطه بین ارزش های خانواده و گرایش دانش آموزان به ارزش های اخلاقی
 - ۳- شناسایی رابطه بین ارزش های مدرسه و گرایش دانش آموزان به ارزش های اخلاقی
 - ۴- شناسایی رابطه بین گروه همسالان و گرایش دانش آموزان به ارزش های اخلاقی
 - ۵- شناسایی رابطه بین مذهبی بودن دانش آموزان و گرایش آنها به ارزش های اخلاقی
 - ۶- شناسایی رابطه بین پذیرش اجتماعی ارزش های اخلاقی و گرایش دانش آموزان به ارزش های اخلاقی
 - ۷- شناسایی رابطه بین رضایت اجتماعی دانش آموزان و گرایش آنها به ارزش های اخلاقی
 - ۸- شناسایی رابطه بین احساس محرومیت نسبی دانش آموزان و گرایش آنها به ارزش های اخلاقی
 - ۹- شناسایی رابطه بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی والدین و گرایش دانش آموزان به ارزش های اخلاقی
 - ۱۰- شناسایی رابطه بین انتظار فایده و گرایش دانش آموزان به ارزش های اخلاقی
- با توجه به اهمیت اخلاق برای زندگی جمعی، اندیشمندان مختلفی از شاخه های گوناگون علمی درباره اخلاق و ارزش های اخلاقی، منشاء این ارزش ها و عوامل مرتبط با گرایش افراد به ارزش های اخلاقی نظریات مختلفی را ارائه داده اند. گروهی از نظریه پردازان که در این باره بحث کرده اند، روانشناسان می باشند که خود به دو دسته تقسیم می شوند. دسته ای از آنها پردازان دیدگاه تحلیل روانی و یادگیری اجتماعی می باشند که معتقدند ارزش های اخلاقی از بیرون و پیرامون کودک اخذ می شوند (محسنی، ۱۳۷۱). به طور کلی توجه نظریه پردازان تحلیل روانی به اخلاق از زاویه وجدان اخلاقی و احساس گناه است به بیان دیگر در دیدگاه تحلیل روانی، اخلاق از خلال تغییرات پویا و ساختاری در سطح نیروهای غریزی نهاد و شکل یابی ارکان تشکیل دهنده شخصیت، من و من برتر بیان شده است (وایت ۱۹۸۸ و گاش^۱ ۱۹۵۵ به نقل از محسنی، ۱۳۷۱: ۲، خاکپور، ۱۳۸۳: ۵۴). در این دیدگاه تجربه های دوران کودکی بخصوص تجربه ای که کودک در روابطش با والدین بدست آورده است اساس تبیین رفتار دیگر دوستانه را تشکیل می دهد (سعادت مند، ۱۳۷۹: ۴۴). بر اساس نظریه پردازان رفتار گرا و در رأس آنها اسکینر^۲ (۱۹۵۳) رفتارهای انسان با فرمول محرک- پاسخ و تقویت مثبت و منفی شکل می گیرند (سیف و همکاران، ۱۳۷۳: ۱۴). نظریه پردازان یادگیری اجتماعی به تاثیر از باندورا^۳ (۱۹۶۹) معتقدند «که هنجارهای فرهنگی و عوامل اجتماعی روی «شدن» فرد تاثیر مستقیم و بسیار مهم دارند. اخلاق نیز از این اصل کلی جدا نیست و از خلال یادگیری های مختلف

1. gash
2. skinner
3. bandura

و به صورت سازگار شدن با هنجارهای گروهی بیان می‌شود» (محسنی، ۱۳۷۱: ۷-۸). دسته‌ای دیگر بر توان ذهنی و شناختی کودک به عنوان عامل مهم کسب ارزش‌های خارجی بها می‌دهند که از جمله آنها می‌توان به دیدگاه‌های شناختی و ساختاری اشاره نمود. پیازنه^۱ (۱۹۳۲) که از پیشگامان عمده روانشناسی رشد می‌باشد و رشد افراد را از زوایای گوناگون مورد توجه قرار داده، معتقد است «که رشد اخلاقی به منزله نظام ارزشی در روابط افراد نمایانگر سازمان‌یابی تعامل ذهن با محیط است و همگام با رشد روانی تحول می‌یابد. دآوری اخلاقی زمینه‌ای است که در آن پیازنه آشکارا روابط یادشده را مطرح می‌سازد» (همان: ۱۷). نظریه ارزش‌های اخلاقی کهلبرگ (۱۹۶۳) شکل تکامل یافته‌ای از نظریه پیازنه در مورد تفاوت بین واقع‌گرایی و نسبی‌گرایی اخلاقی است. کهلبرگ (۱۹۶۳) نیز مجموعه‌ای از موقعیت‌های مختلف را طراحی کرد که بیانگر معماهای اخلاقی است این معماها به کودکان داده می‌شود و پاسخ آنها با توجه به طبقه بندی سه گانه اخلاق پیش‌قراردادی، اخلاق قرار دادی و اخلاق مافوق قراردادی درجه بندی می‌شود. کهلبرگ (۱۹۷۳) مانند پیازنه معتقد است «که توانایی‌های ذهنی و شناختی افراد، مراحل رشد اخلاقی آنان را تعیین می‌کند. رشد اخلاقی افراد، حاصل تاثیر متقابل رشد شناختی آنها با محیط اجتماعی است» (سیف و همکاران، ۱۳۷۳: ۲۷).

هافمن^۲ (۱۹۸۲) در تحلیل خود از ارزش‌های اخلاقی خاطر نشان ساخته که برای درونی شدن هنجارهای اخلاقی دو جهت گیری عمده وجود دارد که یکی از آنها مبتنی بر ترس از مجازات است و دیگری به توانایی‌های شناختی و درک او از موقعیت‌ها بر می‌گردد. با این حال او به جنبه شناختی هنجارهای اخلاقی اهمیت بیشتری می‌دهد (سعادت‌مند، ۱۳۷۹: ۵۲-۵۱).

گروه دیگر از نظریه پردازان که درباره اخلاق و ارزش‌های اخلاقی بحث کرده اند، جامعه‌شناسان می‌باشند که این دسته از نظریه پردازان بیشتر به تاثیر عوامل خارجی و اجتماعی مؤثر پرداخته اند. دورکیم^۳ (۱۸۹۳) به عنوان یکی از جامعه‌شناسان مشهور معتقد است که «اخلاق مجموعه‌ای از قواعد و آیین‌ها و رفتارهاست» (حسینی، ۱۳۸۲: ۲۹). از دیدگاه او اخلاق بر دو پایه استوار است که عبارتند از ۱- اجبار اجتماعی و بیرونی ۲- تمایل درونی کنشگران (بیات، ۱۳۷۲: ۱۵-۱۸). وبر^۴ (۱۹۶۳) نیز ضمن تاکید بر تاثیر نظام ارزشی در انتخاب‌های انسان به دو نوع اخلاق اعتقادی و اخلاق مسئولیتی معتقد است. به نظر او اخلاق مسئولیتی کنش را با معیار وسایل - هدفها تفسیر می‌کند. اخلاق اعتقادی افراد را و او می‌دارد که بر اساس احساسات خویش، بدون استناد آشکار یا ضمنی به عواقب اقدام، دست به عمل بزنند (چلبی، ۱۳۷۷: ۴۲). از نظر پارسنز^۵ (۱۹۵۱) ارزش‌های اخلاقی رفتار انسان را از طریق الگودهی و محدود سازی راه‌هایی که انتخاب می‌کنند، شکل می‌دهند (سپهرخوی، ۱۳۸۱).

فیش‌باین و آیزن^۶ (۱۹۸۸) هم در نظریه خود راجع به گرایش‌های انسان به انتظار فایده و ارزیابی فایده اشاره می‌کنند و آن را از جمله عوامل مؤثر بر گرایش افراد می‌دانند (رفیع پور، ۱۳۷۲: ۱۰). ساپ و هارود^۷ نیز به تاثیر

1. piaget
2. hofman
3. durkheim
4. weber
5. parsons
6. fishbone & aizen
7. sapp & harrod

پذیرش اجتماعی بر شکل گیری گرایش ها پرداخته و روزن اشتیل^۱ به متغیرهای ارضاء نیاز، تجربه، رضایت افراد و میزان دسترسی به اهداف تعیین شده اشاره می کند (همان: ۱۷-۱۴). همچنین تحقیقات روی و برونفی^۲ (۱۹۷۴) در امریکا در خصوص پذیرش و گسترش مسئولیت پذیری و رهبری نوجوانان به نتایج زیر رسیده اند: ۱- طرد و غفلت والدین مانع گسترش و توسعه حس مسئولیت پذیری و رهبری نوجوانان است. ۲- هر چه ارتباطات عاطفی میان خانواده و نوجوانان اصولی و منطقی باشد، آنها بهتر می توانند نقش خود را به خوبی ایفا کنند و از سوی همسالان به عنوان رهبر پذیرفته می شوند. ۳- سطح مسئولیت پذیری دختران و پسران به طور مستقیم با میزان انتظار والدین از نوجوانان رابطه دارد (ولی بیگی، ۱۳۷۸: ۹۲-۹۱). آلپورت و فرتون^۳ در سال ۱۹۳۱ پس از بررسی و تحقیق در ارزش ها توسط پرسشنامه سنجش ارزش ها به این نتیجه رسیدند که علایق زیبا شناسی، اجتماعی و دینی زن ها بیشتر از مردهاست. مردها بیشتر به جنبه های سیاسی و تئوری علاقه دارند و زن ها بیشتر به مسائل اخلاقی تمایل نشان می دهند (حمزه بیگی، ۱۳۷۴: ۶۳). کیگان و وایتینگ (۱۹۷۱) دریافتند که اطرافیان و بخصوص والدین و همسالان بر تحول اخلاقی کودک تاثیر قابل ملاحظه ای می گذارند. والدین به کودکان الگوهایی را عرضه می کنند که به آنها امکان می دهد نظام اخلاقی خود را متشکل سازند (رشیدی فرد، ۱۳۸۰: ۷۱). ولی بیگی در تحقیقی بر روی ۴۰۰ نفر از دانش آموزان دبیرستان های تهران دریافتند که نمرات قضاوت اخلاقی نوجوانان دختر و پسر یکسان است و تفاوت معنی داری وجود ندارد (ولی بیگی، ۱۳۷۸). فاطمه سعیدی مقدم در یافته که مذهبی بودن مادر با گرایش دختران به ارزش های اخلاقی از جمله مسئولیت پذیری، عفاف و محبت رابطه مستقیم داشته است (سعیدی مقدم، ۱۳۷۴). صباحی هم به این نتیجه رسیده است که عوامل محیطی و اجتماعی از قبیل تشویقها و تنبیهها، سطح درآمد خانواده، میزان تحصیلات و محل سکونت و فشارها و ارزش های گروهی، در تحول و رشد اخلاقی مؤثرند ولی جنسیت در رشد اخلاقی تاثیر معناداری نداشته است (صباحی، ۱۳۶۸). نقد مزرچی هم به این نتیجه رسیده است که بین دختران و پسران از نظر تحول اخلاقی تفاوت معنادار وجود دارد. د- بین نمره هوش و رشد اخلاقی رابطه قوی وجود داشته است (نقد مزرچی، ۱۳۷۶). نیساری در پژوهش خویش دریافتند که نحوه رفتار معلمان در ارزش های اخلاقی دانش آموزان تاثیر مثبتی داشته است (نیساری، ۱۳۵۴). ملکی هم در تحقیق خود "اخلاق و روابط اجتماعی" به نتایج زیر رسیده است. الف- رضایت سیاسی، احساس محرومیت نسبی، احساس محرومیت اخلاقی، امید به آینده، تصور از مشروعیت اجتماعی، تصور از کارایی نظام اجتماعی، اعتماد اجتماعی با گرایش به اخلاق رابطه معنادار داشته اند. ب- رضایت اقتصادی، نهادی شدن تضمین های اجتماعی، احساس تعهد به اخلاق، تصور از تحرک اجتماعی، رضایت اجتماعی و ارزش نیازهای اقتصادی با گرایش به اخلاق رابطه معنادار نداشته اند (ملکی، ۱۳۷۱). منیژه رضایی نیز در پژوهشی با عنوان رابطه تحول اخلاقی نوجوان دختر با نگرش تربیتی والدین در تهران دریافتند که تربیت خانوادگی در رشد اخلاقی دختران موثر بوده است (رضایی، ۱۳۷۲) همچنین رشیدی فرد در تحقیق خود با عنوان بررسی تاثیر الگوهای پرورشی بر رشد اخلاقی دانش آموزان دریافتند که: ۱- اعمال قدرت مدارس با درونی شدن اخلاقی کمتری همراه است. ۲- تعیین محدوده ارزش ها به صورت مشخص توسط

1. rosenstil

2. rooy & bronfee

3. allport & ferton

معلمین و والدین با رشد اخلاقی دانش‌آموزان رابطه مستقیم داشته است. ۳- رضایت معلمین از شغل خود و عمل نمودن آنها به گفته‌های خود بر دینداری دانش‌آموزان تاثیر مثبت داشته است (رشیدی فرد، ۱۳۸۰). بنابراین با توجه به نظریات و تحقیقات آمده در بالا می‌توان عوامل مختلف بر گرایش دانش‌آموزان به ارزش‌های اخلاقی را به صورت زیر بیان نمود که سعی شده در این پژوهش به بررسی آنها پرداخته شود. این عوامل عبارتند از: احساس محرومیت نسبی، پایگاه اقتصادی-اجتماعی والدین، انتظار فایده، پذیرش اجتماعی ارزش‌های اخلاقی، رضایت اجتماعی، پابندی والدین به ارزش‌های اخلاقی، پابندی دوستان به ارزش‌های اخلاقی، پابندی معلمان به ارزش‌های اخلاقی و باورهای مذهبی دانش‌آموزان. بر اساس چهار چوب نظری فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر مطرح شدند:

- ۱- برداشت دانش‌آموزان از ارزش‌های والدین در گرایش آنها به ارزش‌های اخلاقی تاثیر دارد.
- ۲- برداشت دانش‌آموزان از ارزش‌های مدرسه (معلمان) در گرایش آنها به ارزش‌های اخلاقی تاثیر دارد.
- ۳- ارزش‌های گروه همسالان در گرایش دانش‌آموز به ارزش‌های اخلاقی تاثیر دارد.
- ۴- میزان مذهبی بودن دانش‌آموز در گرایش او به ارزش‌های اخلاقی تاثیر دارد.
- ۵- پذیرش اجتماعی در گرایش دانش‌آموز به ارزش‌های اخلاقی تاثیر دارد.
- ۶- میزان رضایت اجتماعی دانش‌آموز در گرایش او به ارزش‌های اخلاقی تاثیر دارد.
- ۷- احساس محرومیت نسبی دانش‌آموز در گرایش او به ارزش‌های اخلاقی تاثیر دارد.
- ۸- پایگاه اقتصادی-اجتماعی والدین در گرایش دانش‌آموزان به ارزش‌های اخلاقی تاثیر دارد.
- ۸- انتظار فایده در گرایش دانش‌آموز به ارزش‌های اخلاقی تاثیر دارد.

روش

در این پژوهش با توجه به ماهیت موضوع از روش پیمایش مقطعی استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر سال سوم راهنمایی استان می‌باشد که در سال تحصیلی ۱۳۸۳-۸۴ در یکی از مدارس راهنمایی استان همدان مشغول به تحصیل بودند. در این بررسی از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای استفاده شده است. واحد تحلیل در این پژوهش فرد می‌باشد. جهت برآورد حجم نمونه از جدول نمونه‌گیری دی.ای.دواس استفاده شده است. بر اساس جدول نمونه‌گیری دی.ای.دواس در سطح ۹۵ درصد اطمینان و خطای نمونه‌گیری ۳ درصد و با فرض شکاف ۵۰ به ۵۰ جمعیت در متغیر مورد نظر که حکایت از نا همگنی جمعیت دارد (چون جامعه آماری، منطقه جغرافیایی نسبتاً گسترده‌ای را در بردارد که محیط‌های اجتماعی مختلف، طبقات اجتماعی گوناگون و غیره را شامل می‌شود)، حجم نمونه ۸۱۶ نفر خواهد بود (دواس، ۱۳۷۶: ۷۸). این پژوهش روی ۸۳۰ نفر از دانش‌آموزان دختر و پسر (۳۸۰ نفر دختر و ۴۵۰ نفر پسر) مناطق شهری و روستایی استان همدان در اردیبهشت ماه ۱۳۸۴ اجرا شده که از ابزار پرسشنامه محقق ساخته کمک گرفته شده است. که در نهایت ۸۰۴ پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

به منظور اندازه‌گیری متغیرهای مستقل و وابسته اقدام به مشخص کردن شاخص‌ها به شرح زیر شد:

متغیر وابسته: گرایش به ارزش‌های اخلاقی

شاخص های ارزش های اخلاقی عبارتند از: صداقت، مسئولیت پذیری، انصاف، فداکاری، قدرشناسی، تواضع، شجاعت، برابری، برادری، دوستی، وفاداری و ایثار می باشند که برای هر کدام از آنها گویه ها و سؤالاتی طرح می شود.

متغیرهای مستقل

رضایت اجتماعی: برای سنجش این متغیر از معرف های میزان رضایت از مسکن، درآمد خانواده، محله زندگی، شرایط زندگی، احترام به قانون در بین مردم، رعایت نظم در بین مردم، کمک به هممنوع، احترام متقابل افراد به همدیگر، صداقت و راستگویی مردم، فعالیت پلیس برای ایجاد امنیت، ایجاد اشتغال توسط دولت، کنترل قیمت ها توسط دولت و غیره استفاده شده است

محرومیت نسبی: یعنی اینکه فرد احساس می کند که از امکانات موجود جامعه در مقایسه با دیگران چقدر بهره مند است. و خود را در سلسله مراتب جامعه چگونه ارزیابی می کند. این متغیر توسط چندین گویه اندازه گیری می شود که میزان ارزیابی فرد از خودش در مقایسه با دیگران در زمینه درآمد خانواده، مسکن، خوراک، پوشاک، خرید لوازم مدرسه، محل زندگی و وضع زندگی را در جامعه مشخص می کند.

پذیرش اجتماعی: یعنی اینکه از دیدگاه دانش آموزان، مردم (دیگران مهم) هر یک از ارزش های اخلاقی گذشت، امانت داری، صداقت و راستگویی، مسولیت پذیری، تواضع و فروتنی، قدر شناسی و انصاف و عدالت خواهی را چقدر مثبت ارزیابی می کنند و برای دارندگان هر یک از این ارزش ها چقدر احترام و ارزش قائل هستند. این متغیر از طریق گویه هایی که به صورت طیف لیکرت در مورد میزان پذیرش ارزش های اخلاقی ساخته می شوند، اندازه گیری می شود.

انتظار فایده: یعنی اینکه فرد فکر می کند اگر ارزش های اخلاقی را دارا باشد چقدر سود می برد. این متغیر با گویه هایی مانند اینکه راستگویی در کل چقدر به نفع انسان است، با دروغ کار آدم راحت تر پیش می رود و کمک به دیگران فرد را از زندگی عقب می اندازد و... اندازه گیری شده است.

میزان مذهبی بودن فرد: یعنی اینکه فرد چقدر به وجود خدا، پیامبر، بهشت و جهنم، قرآن به عنوان کلام واقعی خدا اعتقاد دارد. و نیز چقدر عبادات و کارهای مذهبی از قبیل نماز خواندن، روزه گرفتن و... را انجام می دهد.

پایبندی والدین به ارزش های اخلاقی: منظور این است که در خانواده دانش آموز چه نوع ارزش هایی بیشتر رایج هستند آیا اولویت با ارزش های مادی مانند پول است یا ارزش های غیر مادی مانند دوستی، برابری، کمک به دیگران، صرف نظر کردن از حق خود به خاطر دیگران و پول دار شدن انسان به عنوان معیار اصلی موفقیت و عمل کردن والدین به حرف خویش. این معرف ها با طیف لیکرت سنجیده شده اند.

پایبندی معلمان به ارزش های اخلاقی: این متغیر با استفاده از معرف های میزان صادق بودن معلمان مدرسه دانش آموزان، وفاداری معلمان، حس کمک به دیگران، متواضع بودن آنها و غیره سنجیده شده است.

پایبندی گروه همسالان به ارزش های اخلاقی: برای سنجش این متغیر از معرف هایی مانند میزان با محبت بودن دوستان، به قول خود عمل کردن، به دیگران کمک کردن، به فکر منفعت دیگران بودن، راحت طلبی دوستان و غیره استفاده شده است.

پایگاه اقتصادی - اجتماعی والدین: برای سنجش این متغیر از دو شاخص عینی و ذهنی استفاده شده است. شاخص های عینی آن عبارتند از سطح تحصیلات، شغل، درآمد ماهانه خانواده، مخارج ماهانه، میزان پول تو جیبی

ماهانه دانش آموز و شاخص ذهنی آن با این سوال اندازه گیری شده است که " اگر مردم جامعه را به سه طبقه بالا، متوسط و پایین تقسیم کنیم خانواده شما در کدام طبقه جای دارد؟"

اعتبار^۱ و پایایی^۲

اعتبار: در پژوهش حاضر از اعتبار صوری استفاده شده است بدین صورت که پرسشنامه توسط استاد ناظر پروژه (دکتر عرفانی) و دو تن دیگر از اساتید دانشگاههای شهید بهشتی (فریده ممتاز) و دانشگاه کردستان (دکتر امینی) مطالعه و اشکالات آن بر طرف گردیده است پایایی: در این پژوهش از ضریب آلفای کرونباخ برای تعیین میزان پایایی متغیرها استفاده شده است که نتایج آن به صورت جدول ذیل می باشد.

جدول ۱. آلفای کرونباخ متغیرهای پژوهش

ردیف	متغیر	تعداد گویه ها	مقدار آلفای کرونباخ
۱	گرایش به ارزش های اخلاقی	۲۷	۰/۷۱۰۴
۲	انتظار فایده	۴	۰/۶۱۰۳
۳	پذیرش اجتماعی ارزش های اخلاقی	۷	۰/۷۹۷۹
۴	رضایت اجتماعی	۱۵	۰/۸۰۰۲
۵	پایبندی والدین به ارزش های اخلاقی	۶	۰/۶۸۱۲
۶	پایبندی معلمان به ارزش های اخلاقی	۵	۰/۷۴۵۶
۷	پایبندی دوستان به ارزش های اخلاقی	۵	۰/۶۹۱۵
۸	احساس محرومیت نسبی دانش آموزان	۸	۸۲۱۶
۹	باورهای مذهبی دانش آموزان	۹	۰/۷۳۴۳

یافته ها

یافته های توصیفی

همانطور که در جدول شماره ۲ آمده است ۱۸ درصد دانش آموزان گرایشی به ارزش های اخلاقی ندارند. ۳۸/۲ درصد گرایش نه چندان زیادی به ارزش های اخلاقی و دارا بودن ارزش های اخلاقی دارند. ۳۷/۷ درصد هم گفته اند که گرایش زیادی به ارزش های اخلاقی داشته و ۱۱/۱ درصد نیز گرایش خیلی زیادی به ارزش های اخلاقی داشته اند. در مجموع حدود ۴۹ درصد یعنی نزدیک به نیمی از دانش آموزان اظهار نمودند که گرایش زیادی به ارزش های اخلاقی دارند. بنابراین می توان گفت که در کل دانش آموزان سوم راهنمایی استان گرایش متوسط به بالایی به ارزش های اخلاقی دارند.

^۱ validity

^۲ reliability

۷۳/۸ درصد دانش آموزان گفته اند که احساس محرومیت نسبی نمی کنند. ۲۰/۶ درصد نیز گفته اند تا اندازه ای احساس محرومیت نسبی کرده و تنها ۵/۶ درصد اظهار نمودند که احساس محرومیت نسبی زیادی می کنند. ۴/۸ درصد دانش آموزان انتظار فایده دارا بودن ارزش های اخلاقی را کم و خیلی کم ارزیابی کرده اند. ۲۴/۱ درصد نیز آن را نه چندان زیاد ارزیابی نموده و ۶۱ درصد هم انتظار فایده دارا بودن ارزش های اخلاقی را زیاد و خیلی زیاد ارزیابی کرده اند. به نظر می رسد که دانش آموزان انتظار فایده دارا بودن ارزش های اخلاقی را زیاد ارزیابی کرده اند. همچنین ۶/۸ درصد دانش آموزان فایده دارا بودن ارزش های اخلاقی را خیلی کم ارزیابی کرده اند. ۲۳/۶ درصد هم آن را کم ارزیابی نموده و ۲۸/۶ درصد تا حدودی مثبت ارزیابی کرده اند. ۲۴/۹ درصد نیز فایده دارا بودن ارزش های اخلاقی را زیاد و بالاخره ۱۶ درصد نیز آن را خیلی زیاد ارزیابی کرده اند. در مجموع حدود ۴۱ درصد دانش آموزان فایده دارا بودن ارزش های اخلاقی را مثبت ارزیابی کرده اند.

۷/۴ درصد دانش آموزان معتقد بودند، افرادی که دارای ارزش های اخلاقی والایی هستند در جامعه ما ارزشی ندارند. ۱۸/۷ درصد نیز گفته اند این نوع افراد داری مقبولیت نه چندان زیادی هستند. اما حدود ۷۵ درصد یعنی سه چهارم دانش آموزان معتقد بودند افرادی که دارای ارزش های اخلاقی حسنه می باشند در جامعه ما ارزش و احترام زیاد و خیلی زیادی دارند. ۴۴ درصد دانش آموزان گفته اند به افراد جامعه خود اعتماد ندارند. ۴۳/۷ درصد هم اظهار داشته اند که تا حدودی اعتماد دارند. فقط ۱۲/۳ درصد دانش آموزان گفته اند که اعتماد زیادی به افراد جامعه خود دارند. در مجموع می توان گفت که دانش آموزان سوم راهنمایی استان اعتماد اندکی به افراد جامعه خود دارند. ۱۵/۹ درصد دانش آموزان گفته اند که رضایت اجتماعی پایینی دارند. ۳۲ درصد نیز بیان نمودند که رضایت اجتماعی در حد متوسط دارند. ۳۹/۳ درصد هم رضایت اجتماعی زیاد داشته و بالاخره اینکه ۱۲/۸ درصد نیز رضایت اجتماعی خیلی بالایی داشته اند. در مجموع می توان گفت که ۵۲ درصد یعنی بیش از نیمی از دانش آموزان اظهار نموده اند که رضایت اجتماعی بالایی دارند.

حدود ۲۳/۱ درصد دانش آموزان گفته اند که دوستانشان به ارزش های اخلاقی پایبند نبوده و واجد ارزش های اخلاقی نیستند. ۴۲/۳ درصد نیز بیان نمودند که تا حدودی به ارزش های اخلاقی پایبند هستند و ۳۳/۶ درصد یعنی یک سوم دانش آموزان گفته اند که پایبندی زیادی به ارزش های اخلاقی دارند. تنها ۱۳/۲ درصد دانش آموزان گفته اند که معلمانشان به ارزش های اخلاقی پایبند نیستند. ۳۵/۳ درصد هم گفته اند که معلمانشان تا حدودی به ارزش های اخلاقی پایبند بوده و ۵۱/۵ درصد یعنی بیش از نیمی از دانش آموزان گفته اند که معلمانشان به ارزش های اخلاقی پایبندی بالایی دارند و واجد ارزش های اخلاقی هستند. ۴/۱ درصد دانش آموزان گفته اند که والدینشان به ارزش های اخلاقی پایبند نیستند. ۲۷/۹ درصد نیز گفته اند که پدر و مادرشان تا حدودی به ارزش های اخلاقی پایبند هستند. ۵۸/۱ درصد هم اظهار نمودند که والدینشان پایبندی زیاد یا خیلی زیادی به ارزش های اخلاقی دارند. در مجموع می توان گفت که از دیدگاه دانش آموزان، والدین پایبندی بالایی به ارزش های اخلاقی دارند. تنها ۱/۹ درصد دانش آموزان گفته اند که به مذهب پایبند نیستند. ۵/۲ درصد هم گفته اند که تا حدودی به مذهب پایبند هستند. ۳۹/۷ درصد نیز گفته اند که به مذهب باور زیادی داشته و ۵۳/۱ درصد دانش آموزان یعنی بیش از نیمی از دانش آموزان گفته اند که به مذهب و باورهای مذهبی پایبندی خیلی زیادی دارند. در مجموع می توان گفت که ۹۲/۸ درصد دانش آموزان

گفته اند که پایبندی زیادی به مذهب و باورهای مذهبی دارند و این امر مذهبی بودن دانش آموزان را نشان می دهد.

جدول شماره ۲. توزیع فراوانی متغیرهای تحقیق

خیلی زیاد	زیاد	تا حدودی	کم	خیلی کم	
۱۱/۱	۳۷/۷	۳۸/۲	۱۱/۴	۱/۶	گرایش به ارزش های اخلاقی
۱/۶	۴/۰	۲۰/۶	۵۲/۹	۲۰/۹	احساس محرومیت نسبی
۱۳/۴	۴۷/۶	۲۴/۱	۱۱/۱	۳/۷	انتظار فایده
۱۶/۰	۲۴/۹	۲۸/۶	۲۳/۶	۶/۸	ارزیابی فایده
۳۰/۵	۴۳/۴	۱۸/۷	۶/۳	۱/۱	پذیرش اجتماعی ارزش ها
۰/۷	۱۱/۶	۴۳/۷	۳۶/۳	۷/۷	اعتماد اجتماعی
۱۲/۸	۳۹/۳	۳۲/۰	۱۲/۷	۳/۲	رضایت اجتماعی
۶/۶	۲۷/۰	۴۳/۳	۱۸/۹	۴/۲	پایبندی دوستان به ارزش ها
۱۱/۹	۳۹/۶	۳۵/۳	۱۰/۳	۲/۹	پایبندی معلمان به ارزش ها
۲۰/۹	۳۷/۲	۲۷/۹	۱۱/۶	۲/۵	پایبندی والدین به ارزش ها
۵۳/۱	۳۹/۷	۵/۲	۱/۷	۰/۲	باورهای دینی دانش آموزان

همبستگی متغیرهای مستقل با گرایش دانش آموزان به ارزش های اخلاقی

همانطور که در جدول شماره ۳ آمده است بین برداشت دانش آموزان از پایبندی والدینشان به ارزش های اخلاقی و گرایش آنها رابطه مستقیم و معنی داری وجود داشته است. این همبستگی برابر $0/428$ بوده که با احتمال خطای $0/001$ قابل تعمیم به جامعه آماری می باشد. همبستگی بین باورهای مذهبی دانش آموزان و گرایش آنها به ارزش های اخلاقی نیز برابر $0/384$ بوده است که این رابطه نیز با خطای $0/001$ به جامعه قابل تعمیم می باشد. یعنی هرچه پایبندی دانش آموزان به باورهای مذهبی بیشتر بوده میزان گرایش آنها هم به ارزش های اخلاقی بیشتر بوده است. بین برداشت دانش آموزان از پایبندی دوستان به ارزش های اخلاقی و گرایش آنها به این ارزش ها رابطه مستقیم و معنی داری ($F=0/101$) وجود داشته است. این رابطه در سطح $0/01$ معنی دار بوده است. همچنین بین برداشت دانش آموزان از پایبندی معلمانشان به ارزش های اخلاقی و پایبندی آنها به ارزش های اخلاقی همبستگی مستقیم و معنی داری وجود داشته است و این رابطه با احتمال خطای $0/001$ قابل تعمیم به جامعه آماری می باشد. با توجه به نتایج تحقیق می توان گفت که والدین و معلمان نسبت به دوستان تاثیر بیشتری بر رفتارهای اخلاقی نوجوانان دانش آموز داشته اند.

همچنین بین پذیرش اجتماعی ارزش های اخلاقی و گرایش دانش آموزان به این ارزش ها همبستگی مستقیم و معنی داری ($F= 0/313$) وجود داشته است. به عبارت دیگر می توان گفت اگر جوانان این تصور را داشته باشند که ارزش های اخلاقی در جامعه از جایگاه والایی برخوردار باشند پایبندی آنها به این ارزش ها نیز بیشتر خواهد بود. بین رضایت اجتماعی دانش آموزان و گرایش آنها به ارزش های اخلاقی نیز همبستگی مستقیم و معنی داری وجود

داشته است. این رابطه هر چند ضعیف بوده ($r = 0/130$) اما در سطح $0/001$ خطا قابل تعمیم به جامعه آماری می باشد. بین انتظار فایده ارزش های اخلاقی و گرایش دانش آموزان به این ارزش ها رابطه مستقیم و معنی داری وجود داشته است. این رابط که برابر ($r = 0/440$) می باشد با احتمال خطای $0/001$ قابل تعمیم به جامعه آماری می باشد؛ یعنی می توان گفت اگر دانش آموز احساس کند که با رعایت ارزش های اخلاقی سود خواهد برد، گرایش بیشتری به این ارزش ها پیدا خواهد نمود. بین ارزیابی فایده ارزش های اخلاقی و گرایش دانش آموزان به این ارزش ها همبستگی ضعیف، اما مثبت و معنی داری وجود داشته است ($r = 0/062$ و $\alpha = 0/046$).

بین احساس محرومیت نسبی دانش آموزان و گرایش آنها به ارزش های اخلاقی رابطه معکوس اما غیر معنی داری وجود داشته است. به عبارت دیگر بر اساس یافته های این تحقیق می توان گفت که محرومیت نسبی دانش آموزان با گرایش دانش آموزان به ارزش های اخلاقی رابطه نداشته است. و بالاخره می توان گفت که پایگاه اقتصادی- اجتماعی والدین دانش آموزان با گرایش آنها به ارزش های اخلاقی همبستگی معکوس و معنادار بوده است. ($r = -0/064$ و $\alpha = 0/034$) به عبارت دیگر می توان گفت که فرزندان خانواده های فقیر نسبت به فرزندان خانواده های مرفه گرایش بیشتری به ارزش های اخلاقی داشته اند.

جدول شماره ۳. همبستگی متغیرهای مستقل با متغیر وابسته

متغیرهای مستقل	r	Sig	N
پایبندی والدین به ارزش های اخلاقی	0/428	0/000	804
پایبندی دانش آموزان به عقاید مذهبی	0/384	0/000	804
پایبندی دوستان به ارزش های اخلاقی	0/101	0/002	804
پایبندی معلمان به ارزش های اخلاقی	0/252	0/000	804
پذیرش اجتماعی ارزش های اخلاقی	0/313	0/000	804
رضایت اجتماعی	0/130	0/000	804
انتظار فایده ارزش های اخلاقی	0/440	0/000	804
احساس محرومیت نسبی	-0/035	0/320	804
پایگاه اقتصادی اجتماعی والدین	-0/064	0/034	804

رابطه بین جنسیت و گرایش به ارزش های اخلاقی

همانطور که در جدول پایین نشان داده شده است میانگین گرایش دانش آموزان دختر و پسر به ارزش های اخلاقی به ترتیب برابر 61 و 57/4 می باشد که گرایش دختران به ارزش های اخلاقی از پسران بیشتر است. برای آزمون این ادعا از آزمون t استفاده شده است که مقدار آن برابر 2/933 و سطح معنی داری آن نیز 0/003 می باشد. یعنی با احتمال خطای 0/01 می توان گفت که بین دانش آموزان دختر و پسر از نظر گرایش به ارزش های اخلاقی تفاوت معنی داری وجود دارد و این تفاوت هم به نفع دختران می باشد؛ به عبارت دیگر گرایش دختران به ارزش های اخلاقی از پسران بیشتر است.

جدول شماره ۴. رابطه بین جنسیت و گرایش دانش‌آموزان به ارزش‌های اخلاقی

جنس	تعداد	میانگین	آزمون t	درجه آزادی	تعداد	سطح معنی‌داری
دختر	۳۶۴	۶۱	۲/۹۳۳	۸۰۲	۸۰۴	۰/۰۰۳
پسر	۴۴۰	۵۷/۴				

میزان گرایش به هر یک از ارزش‌های اخلاقی چگونه است؟

برای پاسخگویی به این سؤال از آزمون معنی‌داری t و میانگین ارزش‌های اخلاقی استفاده شده است. همانطور که در جدول شماره ۵ آمده است میانگین گرایش دانش‌آموزان به ارزش‌های اخلاقی در مقیاس یک تا پنج در بیشتر موارد زیاد (۴) یا بالاتر از آن است و این بدان معنی است که میزان گرایش دانش‌آموزان به هر یک از ارزش‌های اخلاقی متوسط به بالا و بیشتر است. آزمون t هم نشان دهنده این است که میزان گرایش دانش‌آموزان به هر یک از ارزش‌های اخلاقی واقعا بیشتر می‌باشد و می‌توان استدلال نمود که دانش‌آموزان پایبند اصول اخلاقی هستند.

جدول شماره ۵: میزان گرایش دانش‌آموزان به هر یک از ارزش‌های اخلاقی

ارزش‌ها	میانگین	انحراف معیار	مقدار t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
راستگویی	۳/۸۳	۰/۵۰	۱۴۶/۵۶	۸۰۳	۰/۰۰۰
مسئولیت‌پذیری	۴/۱۹	۰/۷۱	۱۶۸/۲۱	۸۰۳	۰/۰۰۰
کمک به دیگران	۳/۸۰	۰/۶۸	۱۵۸/۹۲	۸۰۳	۰/۰۰۰
وفاداری	۴/۰۵	۰/۷۹	۱۴۴/۷۴	۸۰۳	۰/۰۰۰
قدرشناسی	۴/۲۲	۰/۷۳	۱۶۳/۴۶	۸۰۳	۰/۰۰۰
انصاف	۳/۹۵	۰/۸۲	۱۳۶/۱۵	۸۰۳	۰/۰۰۰
شجاعت	۴/۲۲	۰/۸۱	۱۴۷/۰۸	۸۰۳	۰/۰۰۰
تواضع	۳/۸۸	۰/۷۹	۱۳۹/۶۵	۸۰۳	۰/۰۰۰
دوستی	۴/۳۱	۰/۷۷	۱۶۸/۱۷	۸۰۳	۰/۰۰۰
کل ارزش‌ها	۴/۵۰	۰/۵۱	۲۴۸/۹۹	۸۰۳	۰/۰۰۰

تحلیل رگرسیون چند متغیره گرایش دانش‌آموزان به ارزش‌های اخلاقی

همانطور که در زیر مشاهده می‌شود؛ مدل‌های رگرسیونی مختلف برای گرایش دانش‌آموزان به ارزش‌های اخلاقی دانش‌آموزان آورده شده‌اند. در اینجا از مدل رگرسیونی گام به گام استفاده شده است. در جدول شماره ۶ متغیرهای پایبندی والدین، انتظار فایده، باورهای مذهبی، پذیرش اجتماعی، پایبندی معلمان و رضایت اجتماعی وارد مدل شده‌اند. همه این متغیرها تاثیر معنی‌داری بر گرایش دانش‌آموزان به ارزش‌های اخلاقی داشته‌اند.

در جدول پایین ضرایب ناخالص و خالص متغیرهای مستقل بر روی متغیر وابسته آمده است. در مدل شماره یک، متغیر پایبندی والدین به ارزش‌های اخلاقی وارد شده است که ضریب بتای آن برابر ۰/۴۲۹ می‌باشد یعنی می‌توان گفت که با افزایش هر واحد انحراف معیار به پایبندی والدین به ارزش‌های اخلاقی مقدار ۰/۴۲۹ انحراف

معیار به گرایش دانش آموزان به ارزش های اخلاقی افزوده می شود که این خود از تاثیر بالای پایبندی والدین بر گرایش دانش آموزان به ارزش های اخلاقی حکایت دارد. مقدار R^2 آن برابر $0/183$ می باشد؛ یعنی می توان گفت که پایبندی والدین به ارزش های اخلاقی ۱۸ درصد از کل تغییرات گرایش دانش آموزان به ارزش های اخلاقی را تبیین نموده است. در مدل شماره دو، متغیر انتظار فایده وارد شده است. ورود این متغیر به مدل ضریب بتای متغیر پایبندی والدین را از $0/429$ به $0/330$ کاهش داده است که این خود نشان دهنده میزان هم پوشی این دو متغیر بر همدیگر است. ضریب بتای انتظار فایده نیز برابر $0/317$ می باشد. بنابراین می توان گفت که با کنترل متغیر پایبندی والدین، به ازای هر واحد انحراف معیار که به انتظار فایده اضافه شود گرایش دانش آموزان به ارزش های اخلاقی به میزان $0/317$ انحراف معیار افزایش می یابد که نشان دهنده تاثیر زیاد این متغیر می باشد. این دو متغیر با هم ۲۶ درصد از تغییرات گرایش به ارزش های اخلاقی را تبیین می کنند.

در مدل شماره سه هم باورهای مذهبی دانش آموزان وارد شده است. ورود این متغیر به مدل موجب شده است که ضرایب متغیرهای قبلی تا اندازه ای کاهش یابد. و این امر برای متغیر پایبندی والدین محسوس تر است چرا که ضریب بتای آن از $0/330$ به $0/256$ کاهش یافته است. ضریب بتای خود متغیر باورهای مذهبی با کنترل دو متغیر قبلی برابر $0/224$ می باشد. سه متغیر پایبندی والدین به ارزش های اخلاقی، انتظار فایده و باورهای مذهبی دانش آموزان حدود یک سوم از کل تغییرات گرایش دانش آموزان به ارزش های اخلاقی را تبیین نموده اند. در مدل چهار نیز متغیر پذیرش اجتماعی ارزش های اخلاقی وارد شده است. ضریب بتای این متغیر با کنترل سه متغیر قبلی برابر $0/158$ می باشد؛ یعنی می توان گفت که با کنترل متغیرهای پایبندی والدین به ارزش های اخلاقی، انتظار فایده و باورهای مذهبی به ازای هر واحد انحراف معیار که به پذیرش اجتماعی اضافه شود، گرایش دانش آموزان به ارزش های اخلاقی به میزان $0/158$ انحراف معیار افزایش می یابد. در مدل شماره ۵ هم پایبندی معلمان به ارزش های اخلاقی وارد شده است. ورود این متغیر به مدل تغییرات زیادی در ضرایب متغیرهای قبلی بوجود نیاورده است. ضریب بتای پایبندی معلمان با کنترل چهار متغیر قبلی برابر $0/085$ می باشد.

در مدل شماره ۶ یعنی مدل نهایی متغیر رضایت اجتماعی وارد شده است. اضافه شدن این متغیر به مدل موجب شده است که ضرایب بتای متغیرهای قبلی افزایش یابد؛ یعنی می توان گفت که با حضور رضایت اجتماعی متغیرهای پایبندی والدین به ارزش های اخلاقی، انتظار فایده، باورهای مذهبی، پذیرش اجتماعی و پایبندی معلمان تاثیر بیشتری بر گرایش دانش آموزان به ارزش های اخلاقی دارند. ضریب بتای متغیر رضایت اجتماعی با کنترل متغیرهای قبلی مدل برابر $0/083$ می باشد. شش متغیر وارد شده به مدل حدود ۳۵ درصد کل تغییرات گرایش دانش آموزان به ارزش های اخلاقی را تبیین می کنند و بقیه تغییرات آن ناشی از عوامل دیگری می باشد که در این تحقیق نیامده اند. معادله رگرسیونی استاندارد شده گرایش دانش آموزان به ارزش های اخلاقی را می توان به صورت زیر نوشت:

$$\begin{aligned} & (\text{نمره انتظار فایده}) \times 0/257 + (\text{نمره پایبندی والدین}) \times 0/248 = \text{گرایش به ارزش های اخلاقی (نمره)} \\ & (\text{رضایت اجتماعی}) \times 0/083 + (\text{نمره پایبندی معلمان}) \times 0/103 + (\text{نمره پذیرش اجتماعی}) \times 0/160 + (\text{نمره} \\ & \text{باورهای مذهبی}) \times 0/185 \end{aligned}$$

جدول شماره ۶. وزن نا خالص و خالص متغیرهای مستقل بر روی ارزش های اخلاقی

متغیرهای مستقل	مدل ۱		مدل ۲		مدل ۳		مدل ۴		مدل ۵		مدل ۶	
	Beta	B	Beta	B	Beta	B	Beta	B	Beta	B	Beta	B
مقدار ثابت	۰/۳۶۷	۳۶/۰۶	-	۲۳/۴۴	-	۸/۰۶	-	۳/۱۹	-	۱/۲	-	۲/۴۶
پایبندی والدین	۰/۳۷۱	۰/۴۲۹	۰/۲۸۶	۰/۳۳۰	۰/۲۲۱	۰/۲۵۶	۰/۲۱۴	۰/۲۴۷	۰/۲۰۸	۰/۲۴۰	۰/۲۱۴	۰/۲۴۸
انتظار فایده	-	-	۰/۲۶۸	۰/۳۱۷	۰/۲۴۱	۰/۲۸۵	۰/۲۲۱	۰/۲۶۱	۰/۲۱۲	۰/۲۵۱	۰/۲۱۷	۰/۲۵۷
باورهای مذهبی	-	-	-	-	۰/۲۶۹	۰/۲۲۴	۰/۲۲۹	۰/۱۹۱	۰/۲۱۱	۰/۱۷۶	۰/۲۲۲	۰/۱۸۵
پذیرش اجتماعی	-	-	-	-	-	-	۰/۱۴۰	۰/۱۵۸	۰/۱۳۴	۰/۱۵۲	۰/۱۴۱	۰/۱۶۰
پایبندی معلمان	-	-	-	-	-	-	-	-	۰/۰۷۷	۰/۰۸۵	۰/۰۹۳	۰/۱۰۳
رضایت اجتماعی	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۰/۰۷۴	۰/۰۸۳
مجذور R	۰/۱۸۴	۰/۲۷۵	۰/۳۱۷	۰/۳۴۰	۰/۳۴۷	۰/۳۵۲						
F	۱۸۰/۹	۱۵۱/۹	۱۲۳/۸	۱۰۲/۸	۸۴/۶	۷۲/۲						
سطح معنی داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰						

تحلیل مسیر گرایش دانش آموزان به ارزش های اخلاقی

سوال رایت^۱ تحلیل مسیر را به عنوان روشی برای مطالعه تأثیر مستقیم و غیر مستقیم متغیرهایی که علت گرفته شده‌اند، در متغیرهایی که معلول فرض شده‌اند ساخته و پرداخته کرده است (کرلینجر، ۱۳۶۶، ۴۰۶). در واقع می‌توان گفت که تحلیل مسیر شکلی از رگرسیون چند متغیره است که در آن برای هدایت کردن مسأله یا آزمودن فرضیه‌های پیچیده از نمودارهای مسیر استفاده می‌شود. با استفاده از آن می‌توان اثرهای مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای مستقل بر وابسته را محاسبه کرد. در تحلیل مسیر ضرایب مسیر همان ضرایب رگرسیونی استاندارد (□) هستند. در زیر نمودار تحلیل مسیر برای گرایش دانش آموزان به ارزش های اخلاقی آورده شده است.

همانطور که نمودار زیر نشان می‌دهد متغیر میزان گرایش دانش آموزان به ارزش های اخلاقی به عنوان متغیر وابسته نهایی در نظر گرفته شده است. متغیرهای انتظار فایده، پایبندی معلمان به ارزش های اخلاقی، پایبندی والدین به ارزش های اخلاقی، باورهای مذهبی دانش آموزان و رضایت اجتماعی دانش آموزان تأثیر مستقیمی بر گرایش دانش آموزان به ارزش های اخلاقی داشته‌اند که بزرگ ترین ضریب مسیر مربوط به انتظار فایده ارزش های اخلاقی می‌باشد که برابر ۰/۲۷۹ است. کم ترین آن نیز مربوط به رضایت اجتماعی دانش آموزان می‌باشد که برابر ۰/۰۶۶ بوده است. متغیرهای پایبندی معلمان به ارزش های اخلاقی و پایبندی والدین به ارزش های اخلاقی نیز علاوه بر تأثیرات مستقیم خود از طریق باورهای مذهبی دانش آموزان به صورت غیر مستقیم بر گرایش دانش آموزان به ارزش های اخلاقی تأثیر داشته‌اند.

پایبندی دوستان دانش آموزان به ارزش های اخلاقی اگر چه تأثیر مستقیمی بر گرایش دانش آموزان به ارزش های اخلاقی نداشته اما به صورت غیر مستقیم از طریق باورهای مذهبی دانش آموزان مؤثر بوده است. احساس محرومیت نسبی نیز به طور غیر مستقیم از طریق رضایت اجتماعی دانش آموزان بر گرایش دانش آموزان به ارزش های اخلاقی تأثیر داشته است.

¹. Sewall Wright

طبقه اقتصادی- اجتماعی والدین دانش آموزان از طریق رضایت اجتماعی دانش آموزان و پایبندی والدین به ارزش های اخلاقی به صورت غیر مستقیم بر گرایش دانش آموزان به ارزش های اخلاقی تاثیر داشته است. متغیر پذیرش اجتماعی هم از طریق متغیرهای انتظار فایده، پایبندی معلمان به ارزش های اخلاقی، پایبندی والدین به ارزش های اخلاقی و پایبندی دوستان به ارزش های اخلاقی به صورت غیر مستقیم بر گرایش دانش آموزان به ارزش های اخلاقی تاثیر گذار بوده است.

بحث

این پژوهش به منظور بررسی میزان گرایش دانش آموزان سال سوم راهنمایی استان همدان و عوامل مرتبط با آن صورت گرفته است. یافته نشان داد که دانش آموزان گرایش نسبتاً زیاد و زیادی به ارزش های اخلاقی داشته اند؛ بیش از ۴۸ درصد آنها گفته بودند که گرایش زیاد و یا خیلی زیادی به ارزش های اخلاقی دارند. نتایج همچنین نشان داد که گرایش دانش آموزان به ارزش اخلاقی دوستی و شجاعت نسبت به دیگر ارزش های اخلاقی بیشتر بوده و گرایش نسبت به ارزش های اخلاقی کمک به دیگران و راستگویی از همه کمتر است. روابط بین متغیرها نیز نشان داد که متغیرهای پایبندی والدین به ارزش های اخلاقی، باورهای مذهبی دانش آموزان، پایبندی دوستان به ارزش های اخلاقی، پایبندی معلمان به ارزش های اخلاقی، پذیرش اجتماعی ارزش های اخلاقی، رضایت اجتماعی دانش آموزان، انتظار فایده ارزش های اخلاقی، ارزیابی فایده ارزش های اخلاقی و اعتماد اجتماعی دانش آموزان با گرایش آنها به ارزش های اخلاقی همبستگی مستقیم و معنی داری داشته اند که بیشترین مقدار همبستگی مربوط به انتظار فایده با ضریب همبستگی $0/44$ و پس از آن پایبندی والدین به ارزش های اخلاقی با ضریب همبستگی $0/43$ بوده است. متغیرهای احساس محرومیت نسبی دانش آموزان و پایگاه اقتصادی- اجتماعی والدین هم با گرایش دانش آموزان به ارزش های اخلاقی رابطه معکوس و معنی داری داشته اند. همچنین دختران نسبت به پسران گرایش بیشتری به ارزش های اخلاقی داشته اند و محیط اجتماعی (شهر، بخش و روستا) تاثیری در گرایش دانش آموزان به ارزش های اخلاقی نداشته است.

نتایج تحلیل رگرسیونی هم نشان داد که متغیرهای پایبندی والدین به ارزش های اخلاقی، انتظار فایده ارزش های اخلاقی، باورهای مذهبی دانش آموزان، پذیرش اجتماعی ارزش های اخلاقی، پایبندی معلمان به ارزش های اخلاقی و رضایت اجتماعی دانش آموزان تاثیر مثبت و معنی داری بر گرایش دانش آموزان به ارزش های اخلاقی داشته اند. بزرگترین ضریب رگرسیونی مربوط به متغیر انتظار فایده بوده که برابر $0/26$ و کمترین آن نیز برای متغیر رضایت اجتماعی بوده که برابر $0/083$ می باشد. این متغیرها با هم حدود ۳۵ درصد یعنی بیش از یک سوم از تغییرات گرایش دانش آموزان به ارزش های اخلاقی را تبیین نموده اند. مدل تحلیل مسیر هم نشان داد که متغیرهای انتظار فایده، پایبندی معلمان به ارزش های اخلاقی، پایبندی والدین به ارزش های اخلاقی، باورهای مذهبی دانش آموزان و رضایت اجتماعی دانش آموزان تاپیر مستقیمی بر گرایش دانش آموزان به ارزش های اخلاقی داشته اند. بزرگترین ضریب مسیر مربوط به متغیر انتظار فایده ارزش های اخلاقی بوده که برابر $0/28$ و کمترین آن مربوط به رضایت اجتماعی با مقدار $0/066$ می باشد. متغیرهای پایبندی والدین به ارزش های اخلاقی، پایبندی والدین به ارزش های اخلاقی، احساس محرومیت نسبی دانش آموزان، پذیرش اجتماعی ارزش های اخلاقی و پایگاه اقتصادی- اجتماعی والدین نیز بصورت غیر مستقیم بر گرایش دانش آموزان به ارزش های اخلاقی تاثیر داشته اند.

در رابطه با انطباق نتایج پژوهش با نظریه ها و تحقیقات قبلی باید گفت که باورهای مذهبی دانش آموزان با گرایش آنها به ارزش های اخلاقی همبستگی مستقیم و معنی داری داشته است و این نتیجه با نظریه پارسنز (۱۹۵۱)، نظریه روانکاو فروید (۱۹۷۵)، نظریه هافمن (۱۹۸۲)، نظریه دورکیم (۱۸۳۹)، نظریات دینی که معتقدند اگر انسان خدا را ناظر بر اعمال و رفتار خود بداند، اصول اخلاقی را رعایت خواهد نمود و همچنین تحقیقات کرائول و همکارانش (۱۹۳۱) منطبق

است. متغیر ارزیابی فایده و انتظار فایده هم با گرایش دانش آموزان به ارزش های اخلاقی رابطه مستقیم داشته است که این نتیجه نیز با نظریات و تحقیقات رفتار گرایسی اسکینر (۱۹۵۳)، نظریه های یادگیری رفتار گرایانه، نظریه فیش باین و آیزن (۱۹۸۸) و نظریه وبر (۱۹۶۳) منطبق و همساز است. متغیر پذیرش اجتماعی ارزش های اخلاقی با گرایش دانش آموزان به ارزش های اخلاقی همبستگی مستقیم و معنی داری داشته است که این نتیجه با نظریه روکیچ (۱۹۹۹) و یافته های ساپ و هارود (۱۹۸۹) و نظریه اجبار اجتماعی دورکیم (۱۸۳۹) همخوانی دارد. احساس محرومیت نسبی دانش آموزان با گرایش به ارزش های اخلاقی رابطه معکوس و معنی داری داشته است و این نتیجه با تئوری روزن اشتیل و هروشکا^۱ (۱۹۷۴) و یافته های ملکی (۱۳۷۸) در تهران شبیه است. همچنین پابندی والدین، معلمان و دوستان به ارزش های اخلاقی به عنوان افراد دیگری مهم یعنی کسانی که نوجوانان آنها را سرمشق خود قرار داده و درصدد همسان سازی خود با آنها می باشند، با گرایش دانش آموزان به ارزش های اخلاقی همبستگی مستقیم و معنی داری داشته است. این یافته ها با نظریه های تحلیل روانی، نظریه یادگیری اجتماعی، نظریه وابستگی عاطفی دورکیم (۱۸۳۹)، نظریه هافمن (۱۹۸۲)، نظریه پیازه (۱۹۳۲)، کلبگ (۱۹۶۳)، نظریه کرچ^۲ (۱۹۶۵)، گراچفیلد و بالاچی^۳ (۱۹۷۶) و نظریه وایت (۱۹۸۸) منطبق است. این نتیجه همچنین با یافته های روی و برونفی (۱۹۷۴) در امریکا، کیگان و وایتینگ (۱۹۷۱)، لاولر و یون^۴ (۱۹۸۶)، سعیدی مقدم (۱۳۷۴)، نیساری (۱۳۵۴) و آقای رشیدی فرد (۱۳۸۰) در تهران مطابقت دارد. پایگاه اقتصادی - اجتماعی والدین با گرایش دانش آموزان به ارزش های اخلاقی رابطه معکوس و معنی داری داشته است و این نتیجه با نتایج تحقیقات ملکی (۱۳۷۸) در تهران، تحقیق صباحی (۱۳۶۸)، حمزه بیگی (۱۳۷۴)، اسماعیل الهه (۱۳۷۱)، و نیز آقای شمسیان (۱۳۷۱) همخوانی ندارد و نتیجه مخالف آن چیزی بوده که این محققان به آن دست یافته اند. بنابراین شایسته است که توسط محققان بعدی مورد مطالعه قرار گیرد. اما با یافته های امیر کافی در تهران (۱۳۷۸) مطابقت دارد. رضایت اجتماعی دانش آموزان با گرایش آنها به ارزش های اخلاقی همبستگی مستقیم و معنی داری داشته است و این نتیجه با تئوری روزن اشتیل (۱۹۷۴) و نظریه تسری گرونبرگ (۱۹۷۹) مطابقت می کند. این نتیجه همچنین با یافته های ملکی (۱۳۷۸) همخوانی دارد. نتیجه دیگری که در این پژوهش به دست آمده آن است که دختران نسبت به پسران گرایش بیشتری به ارزش های اخلاقی داشته اند و این نتیجه شبیه به یافته های تحقیق پیتز موز گریو (۱۹۸۴)، آپورت و فرتون (۱۹۳۱)، نقد مزرجی (۱۳۷۶) می باشد. اما با یافته های ولی بیگی (۱۳۷۸) و نیز علی صباحی (۱۳۶۸) در تهران همخوانی ندارد.

پیشنهادهای اجرایی یا کاربردی که می توان در پی اجرای این پژوهش ارائه نمود:

۱- با توجه به تاثیر قابل ملاحظه معلمان بر رفتارها و گرایشات دانش آموزان توصیه می شود که معلمان محترم در کنار تخصص به اصول اخلاقی مزین بوده و خود را به اصول اخلاقی آراسته نمایند و مسولین نیز این امر را در گزینش و ارزشیابی معلمان به صورت جدی در نظر بگیرند.

۲- نظر به اینکه رضایت اجتماعی (فردی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی) با گرایشات ارزشی جوانان رابطه مستقیم داشته است، باید رضایت جوانان را حتی الامکان جلب نمود که این امر از طریق توجه ویژه به جوانان و فراهم

1. rosenstel & hruschka

2. kerch

3. crachfild & balachi

4. lawler & youn

نمودن زمینه های تحصیلی مناسب امکان پذیر می باشد.

۳- از آنجایی که احساس محرومیت نسبی با گرایش دانش آموزان به ارزش های اخلاقی رابطه معکوس داشته است؛ بنابراین پیشنهاد می شود که خانواده ها نیازهای فرزندان خود را در حد توان برآورده نموده و به مشکلات آنها رسیدگی نمایند.

۴- با توجه به تاثیر انکار ناپذیر خانواده بر گرایشات فرزندان، والدین باید خود پایبند اصول اخلاقی و انسانی باشند تا بتوانند فرزندان اخلاقی تربیت کنند؛ چرا که فرزندان معمولا والدین خود را سرمشق و الگو قرار می دهند.

۵- برگزاری کلاس های آموزش خانواده برای آگاه نمودن آنها از نتایج این تحقیق و تحقیقات مشابه و یادآوری این مطلب به والدین که رفتارها و گرایشات آنها بر رفتار فرزندان تاثیر عمده دارد.

۶- نظارت والدین بر دوست یابی فرزندان، چون دوستان از جمله عوامل مهمی هستند که گرایشات و ارزش های نوجوانان و جوانان را تشکیل می دهند.

۷- پرورش اخلاقی دانش آموزان توسط والدین، معلمان و نیز پخش برنامه هایی از صدا و سیما که ارزش های اخلاقی را تبلیغ نماید و فواید عملی آنها را تشریح نماید.

۸- معلمان در کنار تدریس مطالب کتاب همیشه بخشی از وقت کلاس را به آموزش اصول اخلاقی و ایجاد نگرش مثبت بچه ها به ارزش های اخلاقی اختصاص دهند.

۹- نتایج این پژوهش در اختیار مدارس قرار گرفته و معلمان و مدیران از نتایج آن آگاه گردند تا به این نکته بیشتر پی ببرند که اعمال آنها بر روی ارزش های دانش آموزان تاثیر تعیین کننده دارد.

۱۰- با توجه به همبستگی مثبت پذیرش اجتماعی ارزش های اخلاقی با گرایش دانش آموزان به این ارزش ها باید جوی در جامعه ایجاد گردد که افراد مزین به اصول اخلاقی از ارزش و احترام خاصی برخوردار شوند و معلمان این نکات را در مدرسه مد نظر داشته باشند.

۱۱- این نگرش در دانش آموزان ایجاد شود که رعایت و دارا بودن ارزش های اخلاقی در کل به نفع فرد می باشند. برای این کار می توان از شخصیت های اخلاقی مثال زد که به دلیل داشتن ویژگی های اخلاقی، در جامعه برای چندین نسل از ارزش و احترام والایی برخوردار بودند.

۱۲- ارسال بروشورهایی به مدارس جهت تشویق دانش آموزان به رعایت اصول اخلاقی و بکارگیری آنها در زندگی.
۱۳- معلمان و مدیران همیشه در تشویق دانش آموزان، علاوه بر پیشرفت تحصیلی به اخلاق آنها نیز توجه کنند و در کنار دانش آموزان زنگ، دانش آموزانی را که از نظر اخلاقی برترند، تشویق نمایند تا اصول اخلاقی به عنوان ارزش های مثبت در وجود دانش آموزان نهادینه گردد.

و پیشنهادهای پژوهشی که می توان ارائه نمود:

۱- این تحقیق فقط بر روی دانش آموزان سال سوم راهنمایی اجرا شده است که پیشنهاد می شود برای دوره متوسطه نیز انجام گیرد.

۲- برای بررسی عمیق تر موضوع فقط چند عامل بررسی شوند.

۳- برای بررسی عمیق از روش کیفی و مصاحبه هاب عمیق نیز استفاده شود.

منابع

- الهه، محمد اسماعیل. (۱۳۷۱). بررسی سلسله مراتب ارزش‌های نوجوانان دختر و والدین آنها. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی تربیتی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران
- امیر کافی، مهدی. (۱۳۷۵). اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید بهشتی.
- بیات، فربرز. (۱۳۷۲). رابطه عام‌گرایی با اخلاق. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید بهشتی
- جنیدی، سیما. ۱۳۷۸. بررسی رابطه قضاوت اخلاقی و رفتار اخلاقی در دختران نوجوان عادی و بزه‌کار ۱۷-۱۴ ساله تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبائی.
- چلبی، مسعود. ۱۳۷۷. جامعه‌شناسی نظم. تهران: نشر نی.
- چلبی، مسعود. ۱۳۸۰. جزوه درس آمار پیشرفته کارشناسی ارشد پژوهشگری اجتماعی شهید بهشتی
- حسینی، مزگان. ۱۳۸۲. بررسی عوامل مؤثر بر احتمال تقلب دانش‌آموزان شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید بهشتی.
- حمزه بیگی، طیبه. (۱۳۷۴). شناسایی و مقایسه ارزش‌های اخلاقی از دید دانش‌آموزان دختر و پسر پایه سوم دبیرستان شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد
- خاکپور، عباس. (۱۳۸۳). رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و عملکرد مدیران در شهرستان همدان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی.
- دواس، دی. ای. (۱۳۷۶). پیمایش در تحقیقات اجتماعی. (هوشنگ نایی، مترجم) تهران: نشر نی
- رشیدی فرد، حمید. (۱۳۸۰). بررسی تاثیر الگوهای پرورشی بر رشد اخلاقی دانش‌آموزان دوره متوسطه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید بهشتی.
- رضایی، منیژه. (۱۳۷۲). رابطه تحول اخلاقی نوجوانان دختر با نگرش‌های تربیتی والدین، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس.
- رفیع پور، فرامرز. (۱۳۷۲). سنجش گرایش روستاییان به جهاد سازندگی. تهران: انتشارات مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی.
- رفیع پور، فرامرز. (۱۳۷۳). کندوکاوها و پنداشته‌ها در جامعه‌شناسی، تهران، شرکت سهامی انتشار
- سپهر خوی، بیتا. (۱۳۸۱). بررسی عوامل مؤثر بر دروغ‌گویی با تاکید بر ابعاد جامعه‌شناختی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی. دانشگاه شهید بهشتی
- سرمد، زهره، بازرگان، عباس و حجازی، الهه. (۱۳۸۳). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران: انتشارات آگاه.
- سعادت‌مند، فاطمه. (۱۳۷۹). مقایسه دیگر دوستی و تحول اخلاقی در نوجوانان بزه‌کار و غیر بزه‌کار. پایان‌نامه.
- سعیدی‌مقدم، فاطمه. (۱۳۷۴). بررسی رابطه بین ساخت تربیتی و مذهبی خانواده با ارزش‌های اخلاقی (محبت، عفاف و مسئولیت‌پذیری) نوجوانان تهرانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت معلم تهران.

سیف، کدیور، کرمی نوری، لطف آبادی، سوسن، پروین، رضا و حسین. (۱۳۷۳). *روانشناسی رشد ۱*. تهران: انتشارات سمت

صباحی، علی. (۱۳۶۹). *بررسی رشد قضاوت اخلاقی نوجوانان تیز هوش و مقایسه آنان با نوجوانان عادی*، پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران.

کرلینجر، فردان و پدهازور، الازار جی. ۱۳۶۶. *رگرسیون چند متغیری در پژوهش رفتاری* (جلد اول)، (حسن سرایی مترجم)، تهران، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی

کینز، پاول و گرای، کالین. (۱۳۸۰). *کتاب آموزشی Spss 10* ترجمه اکبر فتوحی اردکانی، تهران، انتشارات چرتکه. محسنی، نیکچهره. (۱۳۷۱). *ارزش های اخلاقی در نظریه های مختلف روانشناسی*، نشریه علوم تربیتی، دوره جدید، سال ۱۵، شماره ۴-۳.

ملکی، خسرو. ۱۳۷۱. *اخلاق و روابط اجتماعی*، پایان نامه کارشناسی ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی. دانشگاه شهید بهشتی. محمد خلیفه، عبدالطیف. (۱۳۷۸). *بررسی روانشناختی تحول ارزش ها*، (سید حسین سیدی، مترجم) تهران: انتشارات آستان قدس رضوی.

نقدی مزرگی، علی رضا. (۱۳۷۶). *بررسی و مقایسه تحول اخلاقی دانش آموزان مدارس غیر انتفاعی و دولتی*. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی.

نیساری، سلیم. (۱۳۵۴). *نقش معلم در ارزش های اخلاقی*. مجله علوم تربیتی دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران، دوره پنجم شماره ۲-۱.

ولی بیگی، منصوره. (۱۳۷۸). *بررسی رابطه عزت نفس با قضاوت اخلاقی دانش آموزان سال سوم دوره متوسطه شهر تهران در سال تحصیلی ۱۳۷۷-۷۸*. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت معلم تهران.